



مشاوره‌های پیش از طلاق قرار است زوجین را از طلاق منصرف کند، اما آمار ثابت می‌کند این اتفاق رخ نداده است. به‌نظر می‌رسد راهکار جدایی زوجین را باید پیش از مراکز مشاوره یافت

«جوان» در گفت‌وگو با کارشناسان حقوقی کارایی مراکز مشاوره پیش از طلاق توافقی را مورد بررسی قرار داده است

مشاوره‌های پیش از طلاق اثربخش نیست!

زهرا چیذری

چند سالی می‌شود آمارهای جدایی و طلاق بر محور رشد حرکت می‌کند. این روند افزایشی در حدی است که از هر سه ازدواج یکی به جدایی منتهی می‌شود. طبق گزارش مرکز آمار ایران از وضعیت اجتماعی و فرهنگی ایران در پاییز ۹۹، آمارهای ازدواج کاهش و در عوض آمارهای طلاق افزایشی است. بیشترین سهم جدایی‌ها به زوج‌هایی می‌رسد که طول عمر زندگی مشترکشان کمتر از پنج سال است. آمار نزدیک به ۳۰ درصدی طلاق در سال نخست زندگی زناشویی هم به خوبی بیانگر بحرانی است که در حوزه خانواده

قرار دهیم و ببینیم چرا با وجود مرحله مشاوره پیش از طلاق باز هم آمارهای جدایی افزایشی است و چرا مشاوره‌های پیش از طلاق کارایی لازم را نداشته‌اند.

ماده ۲۵ قانون حمایت از خانواده مصوب اول اسفند ۱۳۹۱ بیان می‌دارد: در صورتی که زوجین متقاضی طلاق توافقی باشند، دادگاه باید موضوع را به مرکز مشاوره خانواده ارجاع دهد. در این موارد طرفین می‌توانند تقاضای طلاق توافقی را از ابتدا در مراکز مذکور مطرح کنند. در صورت عدم انصراف متقاضی از طلاق، مرکز مشاوره خانواده موضوع را به مشاوره مقرر در توفیق جهت اتخاذ تصمیم نهایی به دادگاه منعکس می‌کند. ماده ۲۶ هم می‌گوید: در صورتی که طلاق، توافقی یا به درخواست زوج باشد، دادگاه به صدور گواهی عدم امکان سازش اقدام می‌کند و اگر به درخواست زوجه باشد، حسب مورد، مطابق قانون به صدور حکم الزام زوج به طلاق یا احراز شرایط اعمال وکالت در طلاق مبادرت می‌نماید. بنابر ماده ۲۷ در تمامی موارد درخواست طلاق، جز طلاق توافقی، دادگاه باید به منظور ایجاد صلح و سازش موضوع را به داوری ارجاع کند. دادگاه در این موارد باید با توجه به نظر داوران رأی صادر نماید و چنانچه آن را نپذیرد، نظریه داوران را با ذکر دلیل رد کند.

در ماده ۸ آیین نامه اجرایی قانون حمایت خانواده نیز درباره طلاق توافقی آمده است: در صورتی که زوجین متقاضی طلاق توافقی باشند، دادگاه باید موضوع را به مرکز مشاوره خانواده ارجاع دهد. مرکز فوق در صورت انصراف طرفین از طلاق، با تنظیم صورت‌جلسه، پرونده را جهت اتخاذ تصمیم مقتضی به دادگاه ارسال می‌کند. در صورت عدم حصول توافق کلی زوجین نسبت به شرایط مقرر بین طرفین، گزارش اقدامات انجام شده و مشروح مذاکرات از جمله اظهارات آنها و نقاط قوت و ضعف و موارد توافق و نظر مرکز فوق پیرامون موضوع را به دادگاه ارائه می‌دهد تا دادگاه مطابق قانون رسیدگی و اتخاذ تصمیم نماید. بر اساس تبصره این ماده مواردی که طرفین در اجرای ماده ۲۵ قانون مستقیماً به مرکز مشاوره خانواده مراجعه می‌کنند، در صورت انصراف طرفین از طلاق، با تنظیم صورت‌جلسه پرونده بایگانی می‌شود. در صورت عدم حصول توافق کلی زوجین نسبت به شرایط مقرر بین طرفین، مرکز فوق اظهارات آنها و موارد توافق و اختلاف را صورت‌جلسه و نظر خود را اعلام می‌کند. در صورتی که موضوع در دادگاه مطرح شود، مرکز فوق صورت‌جلسات تنظیمی و نظریه خود را به تقاضای هر یک از طرفین به دادگاه جهت اتخاذ تصمیم مقتضی ارسال می‌کند.

این آیین نامه در خصوص نحوه ارائه خدمات مشاوره‌ای در ماده ۴۶

می‌گوید: مرکز مشاوره خانواده منحصراً به ارائه خدمات مشاوره‌ای به متقاضیان طلاق توافقی یا انجام مواردی که از سوی مراجع قضایی ارجاع می‌شود، اقدام می‌کند. دادگاه خانواده می‌تواند در صورت لزوم با مشخص کردن موضوع اختلاف و تعیین مهلت، نظر مرکز فوق را در مورد امور و دعوی خانوادگی خواستار شود. مرکز مذکور ضمن ارائه خدمات مشاوره‌ای به زوجین و سعی در سازش طرفین، خواسته‌های دادگاه را در مهلت مقرر اجرا می‌کند و در صورت حصول سازش به تنظیم سازش نامه مبادرت و در غیر این صورت نظر کارشناسی خود در مورد علل و دلایل عدم سازش را به طور مکتوب و مستدل به دادگاه اعلام می‌کند. بر اساس تبصره این ماده نیز دادگاه با ملاحظه نظریه کارشناسی مرکز مشاوره خانواده مبادرت به صدور رأی می‌نماید. بر این اساس مراکز مشاوره معمولاً از یک تا چهار جلسه مشاوره قبل از طلاق توافقی تعیین می‌کنند که این پروسه حدوداً ۴۵ روز به طول می‌انجامد و سپس گواهی عدم انصراف از طلاق جهت ارائه به دادگاه خانواده صادر می‌شود.

اما وقتی بای صحبت کارشناسان می‌نشینید انگار این مشاوره‌های پیش از طلاق آنطور که باید کارایی ندارند و چالش‌هایی درباره خود این مراکز وجود دارد.

مطابق با «گزارش وضعیت اجتماعی و فرهنگی ایران پاییز ۹۹» مرکز آمار ایران، گرچه تعداد رویدادهای ازدواج از ۵۳۳ هزار و ۱۷۴ رویداد در سال ۹۸ و با افزایش ۴/۴ درصدی به ۵۵۶ هزار و ۷۳۱ در سال ۹۹ رسیده است اما در عین حال تعداد رویدادهای طلاق ثبت شده در سال گذشته نیز با ۳/۶ درصد افزایش نسبت به سال ۹۸ از ۱۷۶ هزار و ۸۱۴ به ۱۸۳ هزار و ۱۹۳ رویداد طلاق در سال ۹۹ رسیده است. در سال ۹۹ طول مدت ازدواج ۱۱ هزار و ۷۱۵ طلاق ثبت شده کمتر از یک سال و طول مدت ازدواج ۵۱ هزار و ۲۷۰ رویداد طلاق ثبت شده با طول مدت ازدواج بالغ بر ۲۹ سال در سال ۹۹ به ثبت رسیده است. همچنین آنچه از آمارها بر می‌آید این است که طول مدت ازدواج بیشتر طلاق‌های ثبت شده در سال ۹۹ بین یک تا پنج سال بوده است، یعنی در اغلب موارد تنها یک تا پنج سال کامل از زمان رخداد رویداد ازدواج گذشته که در نهایت این ازدواج‌ها به طلاق ختم شده‌اند. اغلب این طلاق‌ها هم توافقی است و انگار مشاوره‌های قبل از طلاق و داروها هم چندان توفیقی در منعانت از جدایی و کاهش آمار طلاق‌های توافقی نداشته‌اند. به سراغ کارشناسان حقوقی رفتیم تا این بار پدیده طلاق و طلاق توافقی و آمار افزایشی آن را از زاویه‌های دیگر مورد واکاوی

نظر کارشناس

کسانی که با مشاوره از طلاق منصرف می‌شوند زیاد نیستند



طلاق چه به صورت توافقی باشد و چه غیر توافقی با آسیب‌های روحی و روانی زیادی همراه است. این آسیب‌ها در صورتی که پسای فرزندی هم در میان باشد، چند برابر می‌شود، چراکه بچه‌ها هم نیاز به پدر دارند و هم مادر و کشمکش‌های پدر و مادر حین و بعد از طلاق آسیب‌های زیادی به خانواده و فرزندان می‌زند. به همین دلیل هم باید برای کاهش طلاق فکری اساسی کرد. با تمام اینها اما در دادگاه‌ها هنوز بر برخی قضات به اهمیت موضوع طلاق پی نبرده‌اند و خیلی راحت حکم طلاق را صادر می‌کنند. مشاوره قبل از طلاق توافقی هم اگر از سوی مشاوران متعدد و حرفه‌ای صورت بگیرد باید به حل مشکلات کمک کند اما آنطور که از آمارها بر می‌آید، تعداد افرادی که بعد از مشاوره‌های قبل از طلاق به زندگی بازمی‌گردند زیاد نیست، بنابراین مشاوره قبل از طلاق به تنهایی مشکل گشا نیست و نیاز داریم مشاوره‌ها ماندگار باشد که با توجه به هزینه‌های بالای مشاوره این مسئله چندان امکان‌پذیر نیست. به همین دلیل هم دولت باید در این میان ورود کند و با تدابیری هزینه‌های این مشاوره‌ها را کاهش دهد.

سیده فریا مصطفوی
عضو شورای حل اختلاف قوه قضائیه

گاهی مشاوره‌ها و داوری‌های پیش از طلاق تشریفاتی است



با توجه به سوابق ما در دادگاه‌های خانواده و با توجه به عینیت و واقعیت‌های جامعه، طلاق معمولاً در مواردی رخ می‌دهد که زوجین به نقطه بحران می‌رسند و احساس می‌کنند ادامه زندگی مشترک برایشان ممکن نیست. البته در خود پروسه طلاق هم مسئله ارجاع به داوری و شورای حل اختلاف از جمله مراحل است که با عنایت به تجارب شخصی من در طول سال‌های فعالیت همگی فرمیک و به صورت صوری است! شورای حل اختلاف و داوری به ادامه یک زندگی که هر دو به نقطه بحران رسیده‌اند کمک نمی‌کنند

و اطاله رسیدگی به تقاضای طلاق توافقی هم هیچ کمکی به امنیت روانی زوجین و جامعه نخواهد کرد. در پرونده‌هایی که داشته‌ام به عینه دیدم که مشاوران و داوران هیچ نقشی در ادامه زندگی زوجین و کمک به حل مسائل و مشکلات آنها ندارند. اگر داوران از بستگان باشند که اغلب کسانی هستند که قبل از طلاق توافقی هم با آنها مشورت می‌کنند، این در حالی است که مشاوره‌ها و میانجی‌گری واقعی می‌تواند زوج‌ها را به زندگی مشترک بازگرداند. من مواردی داشتم که زوجین را دعوت کردم و با صحبت کردن با آنها متوجه مشکل آنها در زندگی شدم و با توصیه‌های منحصی، اخلاقی و اجتماعی توانستم زوج‌ها را از طلاق منصرف کنم. اما باید وقت گذاشته شود. شخص میانجی‌گر باید دارای تجربه و آگاهی باشد و با مبانی روانشناسی تجربی آشنا باشد. در حالی که برخی داوران اصلا وقت لازم را نمی‌گذارند و در مواردی شورای‌های حل اختلاف و داوری‌ها فرمایشیه است.

حسن تر دست
قاضی باز نشست و وکیل دادگستری

مشاوره پیش از طلاق در عمل هیچ کارایی ندارد



عوامل متعددی موجب جدایی زوج‌ها می‌شوند که شیوع مصرف مواد مخدر، مشکلات اقتصادی و نبود وجود مشاوره‌های قبل و بعد از ازدواج در صدر علل طلاق زوجین قرار دارد. در حال حاضر به دلیل گرانی خدمات مشاوره، همه افراد و طبقات جامعه نمی‌توانند به راحتی از خدمات آنها استفاده کنند، در حالی که باید مشاوره‌های قبل و بعد از ازدواج به شکلی ارزان یا حتی رایگان در خدمت زوج‌ها قرار بگیرد. دولت اگر می‌خواهد کاری اساسی در حوزه پیشگیری از طلاق انجام دهد می‌تواند با همکاری نهادهای مسئول مشاوره‌های رایگان و ارزان را در دسترس خانواده‌ها قرار

دهد تا بتوانند مسائل و مشکلاتشان را با مراجعه به این مشاوران حل کنند. مشاوره‌های پیش از طلاق و مراجعه زن و شوهر به مشاور مراجعه خوب است اما در عمل این مشاوره‌ها هیچ‌گونه کارایی نداشته و مشاوره قبل از طلاق برای زن و شوهری که به آخر خطر رسیده‌اند به شکل یک مرحله رویتین و فرمایشیه درآمده است. این زوج‌ها قبل از طلاق چند جلسه‌ای به مشاوران مراجعه و با پرداخت هزینه‌ای در نهایت از هم جدا می‌شود! من ندیدم زوجی پس از این جلسات مشاوره به زندگی بازگشته باشد و در عمل به نوعی اشتغال‌زایی برای مراکز مشاوره تبدیل شده است. باید به مسائل اجتماعی و از جمله طلاق نگاه پیشگیرانه داشت. بدین منظور دولت باید مراکز مشاوره را رایگان کند. مشاوره زمانی می‌تواند راه‌حل باشد که اختلافات و مشکلات همسران به بحران نرسیده باشند و زن و شوهر با هم قهر نباشند، بلکه اختلاف داشته باشند. از همه مهم‌تر اینکه زوجین هم می‌خواهند مشکلات حل شود و زندگی‌شان را از نو بسازند. وقتی زن و شوهر به مرحله طلاق و جدایی رسیده‌اند و نمی‌خواهند با هم زندگی کنند، مشاور کار زیادی از دستش بر نمی‌آید. پس بهتر است به جای تمرکز بر طلاق به فکر پیشگیری باشیم.

محمد رضا زمانی علویچه
وکیل پایه یک دادگستری

جمعیت پایدار



آثار منفی طلاق بر رشد جمعیت

مهدی نیک‌ضمیر

ازدواج و طلاق یکی از مؤلفه‌های مهمی است که تأثیری جدی بر مسئله جمعیت دارد. طبیعتاً هر زوجی که فرد می‌شود و هر خانواده‌ای که از هم فرومی‌پاشد در کنار تبعات فردی‌اش در حوزه شخصی و اثرات و آسیب‌هایی که در زندگی زن و مرد و فرزند یا فرزندان احتمالی دارد، دارای تبعاتی اجتماعی نیز است. از هم پاشیدگی خانواده‌ها و طلاق، ساختارهای اجتماعی را با چالش‌های متعددی مواجه می‌کند و زنان مطلقه به عنوان یکی از چالش‌های هر جامعه‌ای به آمار زنان خود سرپرست یا زنان سرپرست خانوار افزوده می‌شوند و رشد این آمارها تبعات و چالش‌های اجتماعی متعددی را در پی خواهد داشت که در جای خود قابل بحث و بررسی است. اما در این نوشتار تصمیم داریم تا تبعات طلاق و جدایی را از منظر جمعیتی و آسبایی که به رشد منطقی و طبیعی جمعیت در جامعه وارد می‌کند مورد بحث و بررسی قرار دهیم. جامعه‌ما جامعه‌ای ارزشی و خانواده محور است. پس وقتی از افزایش جمعیت صحبت می‌کنیم در واقع به طور غیر مستقیم نگاهی هم به موضوع ازدواج و تشکیل خانواده داریم. بر این اساس تمام مؤلفه‌ها و فاکتورهایی که در ازدواج روی مسئله فرزندآوری تأثیر مستقیم و غیرمستقیم دارند، می‌توانند بر مسئله جمعیت هم اثر گذار باشند. به طور نمونه افزایش سن ازدواج با کاهش قدرت و همچنین فرصت باروری همراه است. بدین معنا که اگر بهترین سنین باروری را برای یک زن از ۱۸ تا ۳۵ سالگی بدانیم و فاصله سنینی مناسب بین

فرزندان را حدود پنج سال در نظر بگیریم می‌بینیم که یک زن اگر در ۱۸ سالگی ازدواج کند حدود ۱۷ سال برای فرزندآوری زمان دارد و می‌تواند حدود سه تا چهار فرزند را در سال‌های طلایی باروری خود به دنیا بیاورد. هر چیزی که این سال‌های طلایی دوران باروری یک زن را تضییع کند و از آن بکاهد در عمل از فرصت ترمیم ساختار جمعیتی کشور کاسته است. بدین معنا افزایش سن ازدواج، افزایش سن

فرزندآوری و همچنین طلاق و جدایی پدیده‌هایی هستند که به شدت بر مسئله فرزندآوری و در نتیجه بحث جمعیت اثر گذارند. از این رو هر قدر سن ازدواج بالا برود یا خاتمه‌ها به دلایلی همچون تحصیل، اشتغال یا دیگر موانع اقتصادی فرزندآوری خود را به تأخیر بیندازند یا با طلاق و جدایی به طور کلی از ساختار خانواده خارج شوند، چالش‌های جمعیتی ما جدی‌تر خواهد شد. حالا اجازه دهید به جامعه بازگردیم و آمارهای ازدواج و طلاق را مورد واکاوی قرار دهیم. بر اساس آخرین گزارش‌های آماری از هر سه ازدواج در سال ۱۴۰۰ یک مورد به طلاق منجر شده است. مجموع ازدواج کشور در تابستان ۱۴۰۰، ۱۳۴ هزار و ۲۰۸ مورد بوده است. محاسبات نشان می‌دهد ازدواج در ایران در فاصله سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۹، بیش از ۳۶ درصد کاهش یافته است. بر این اساس، میزان طلاق در ایران از سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۹ حدود ۲۸ درصد افزایش داشته است.

این گزارش نشان می‌دهد که نسبت طلاق به ازدواج طی این سال‌ها از ۱۶/۳ تا ۳۲/۹ درصد زیاد شده که روندی افزایشی طی کرده است ولی در سال ۱۳۹۸ در بالاترین نقطه در این دوره یعنی ۳۳ درصد قرار می‌گیرد ولی در سال گذشته ۰/۱ درصد کاهش پیدا کرده است.

جزئیات دیگری از این آمار نشان می‌دهد که در سال ۱۳۹۰ مجموع ازدواج ثبت شده ۸۷۴ هزار و ۷۰۲ نفر بوده که در سال ۱۳۹۹ به ۵۵۶ هزار و ۷۳۱ نفر کاهش یافته است.

در این بازه زمانی روند ازدواج عمدتاً کاهش یافته اما در سال ۱۳۹۵ اندکی افزایش ازدواج ثبت شده است و از حدود ۶۸۵ هزار و ۲۵۲ به ۷۰۴ هزار و ۷۱۶ نفر رسیده ولی در سال بعد بافت حدود ۱۰۰ هزار نفری مواجه شده است.

بر این اساس، محاسبات نشان می‌دهد ازدواج در ایران در فاصله سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۹، بیش از ۳۶ درصد کاهش یافته است. اما در رابطه با وضعیت طلاق در کشور آمارها حاکی از آن است که در سال ۱۳۹۰، ۱۴۲ هزار و ۸۴۱ طلاق ثبت شده بود که در سال ۱۳۹۹ به ۱۸۳ هزار و ۷۱۶ نفر افزایش یافته است.

در چنین شرایطی و با عنایت به اینکه اغلب این جدایی‌ها در پنج سال نخست زندگی مشترک رخ می‌دهد بسیاری از زوج‌هایی که از یکدیگر جدا می‌شوند فرزندی ندارند. از سوی دیگر درصدی از این افراد ممکن است دیگر به زندگی مشترک بازنگردند یا زمانی از ازدواج مجدد داشته باشند که دیگر امکان و شرایط فرزندآوری برایشان فراهم نیست. بر مبنای نکات ذکر شده بدیهی است که باید مسئله ازدواج و طلاق به شکل جدی‌تری در سیاست‌های جمعیتی گنجانده شود.